

برساخت اجتماعی تعامل بین ادیان در استان سیستان و بلوچستان: مطالعه‌ای کیفی از منظر جوانان تحصیل کرده شهرستان زاهدان*

الهام شیردل^۱، شکیب ضریبی قلعه‌حمای^۲

(تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۴/۰۱، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۱۲/۱۲)

چکیده

اگر تعامل و گفتگوی بین ادیان را به تعامل مشارکتی، سازنده و مثبت بین افراد دارای سنت‌های مختلف دینی در دو سطح فردی و نهادی تعبیر کنیم، می‌توانیم هدف از آن را ارتقاء درک بین ادیان یا عقاید مختلف برای افزایش پذیرش دیگران تعریف کنیم. هدف این پژوهش شناخت و مطالعه زمینه‌های تقریب و تعامل بین ادیان در استان سیستان و بلوچستان است. این پژوهش با استفاده از روش نظریه زمینه‌ای و مصاحبه نیمه ساختاریافته با ۲۵ نفر از جوانان ساکن شهرستان زاهدان صورت گرفته است. داده‌ها بر اساس روش اشتراوس و کوربین کدگذاری شدند. بنا به یافته‌های این پژوهش می‌توان زمینه‌های منجر به ترویج فرهنگ تعامل بین ادیان در شهرستان زاهدان را در مواردی مانند همگرایی در فضای آموزشی و توسعه تعاملات بین ادیان، اتخاذ روش‌های تربیتی مفید با محوریت تعاملات مثبت و سازنده با سایر ادیان و مذاهب، ترسیم الگوی دینداری وفاق آفرین، گذر از اختلافات دینی به تعاملات صمیمانه فرادینی و همزیستی مسالمت‌آمیز در سایه صلح و احترام متقابل برشمرد.

واژه‌های کلیدی: تعامل بین ادیان، تقریب ادیان، الگوهای آموزشی، زاهدان، نظریه زمینه‌ای.

* مقاله علمی - پژوهشی

Doi: <https://doi.org/10.22034/jss.2024.1988313.1757>

^۱ استادیار گروه علوم اجتماعی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه سیستان و بلوچستان، زاهدان، ایران نویسنده مسئول
eshirdel@lihu.usb.ac.ir

^۲ کارشناسی‌ارشد جامعه‌شناسی، گروه علوم اجتماعی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه سیستان و بلوچستان، زاهدان، ایران

مجله مطالعات اجتماعی ایران، دوره هفدهم، شماره ۲، تابستان ۱۴۰۲، ص ۲۷-۵

مقدمه و بیان مسئله

دین بعنوان یک نهاد اجتماعی با ویژگی‌های فردی و جمعی از ارزش‌ها و قواعد اجتماعی پشتیبانی می‌کند، جهت‌دهنده‌ی کنش افراد و مظهر قدرت جامعه و انسان است، بسترساز ارتباطات انسانی و موجب ثبات، استمرار و همبستگی جامعه است. از سوی دیگر دین ارزش‌آفرین بوده و به هنجارها شکل می‌دهد، دین به زندگی انسان معنی می‌بخشد و راهنمای موثری برای هدایت و سعادت انسان در دنیا و آخرت است. همچنین، دین برای جامعه معنایی از هویت و همبستگی را بوجود می‌آورد و آن را تحکیم می‌بخشد (تنهایی، ۱۳۹۰: ۵).

وجود ادیان مختلف در جوامع بشری همانطور که می‌تواند منجر به تنظیم روابط بین انسان‌ها شود، به همان اندازه نیز می‌تواند چالش برانگیز باشد. آنچه که می‌تواند از اساسی‌ترین چالش‌های ممکن بین ادیان و مذاهب - بطور خاص در جوامعی با تنوع قومی و مذهبی - تلقی شود، مسئله تقرب یا اختلاف بین ادیان است.

در دنیای امروزی با پیشرفت تکنولوژی‌های اطلاعاتی، ارتباطاتی و دستاوردهای علمی اختلاف و نزاع بین ادیان نگران‌کننده و عامل نفاق و جدایی بین ادیان و حتی نابودی دین و مردم می‌شود (امان اندرابی^۱، ۲۰۲۰). بر این اساس تعامل بین ادیان بعنوان راه حلی برای ایجاد صلح و تفاهم بین ادیان در دنیای اجتماعی پیشرفته، متنوع و پیچیده امروزی ضروری و قابل توجه است (کادایفچی^۲، ۲۰۱۳).

در جهانی که به طور فزاینده‌ای بین‌المللی شده است، دین به عنوان یک هویت و عنصری از پیکربندی اجتماعی، عامل اساسی در جوامعی است که در آن کثرت‌گرایی دینی از دیرباز به خوبی تثبیت شده است (کوردرو^۳ و همکاران، ۲۰۲۱).

کشور پهناور ایران از دیرباز میزبان جمعیت کثیری از فرهنگ‌های مختلف بوده است که علی‌رغم تنوع قومی، زبانی و مذهبی، زیست‌مسالمت‌آمیزی را تجربه کرده‌اند. در گوشه و کنار ایران، می‌توان زیست‌اقوام و مذاهب مختلف را در کنار یکدیگر مشاهده کرد. وجود قومیت‌های متعدد در کشور ما نشان می‌دهد موضوع واگرایی و همگرایی، انسجام و وفاق ملی، امنیت قومی و ملی و همچنین پیوند میان قومیت‌ها و دولت مرکزی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است (زارعی، ۱۳۹۸: ۴۴).

¹ Aman Andrabi

² Kadayifci

³ Cordero

یکی از نمونه‌های بارز مناطقی که میزبان تنوع قومی و مذهبی است، استان سیستان و بلوچستان است. از این استان با مرکزیت شهرستان زاهدان بعنوان نمونه‌ای از جامعه چند فرهنگی به دلیل تنوع قومی، فرهنگی و دینی یاد می‌شود. پیروان اهل تسنن، اهل تشیع، هندوها، مسیحیان و زرتشتی‌ها در این استان و شهرستان به نسبت متفاوت زندگی می‌کنند. ناحیه بلوچستان، یکی از بزرگ‌ترین نواحی جغرافیایی ایران زمین است و اکنون بیشتر مردم آن در دو کشور ایران و پاکستان جای گرفته‌اند. بلوچ‌ها بنا بر ارجاعات تاریخی (ناصح، ۱۳۴۵: ۳؛ کریساتین سن، ۱۳۷۵: ۴۹۲؛ اصطخری، ۱۳۷۳: ۱۶۵؛ نولدکه، ۱۳۵۸: ۳۰۸؛ یغمایی، ۱۳۵۵: ۳۶) مردمانی از تبار آریایی‌های ساکن در نواحی شمالی سرزمین ایران بوده‌اند که به دلایل مختلف و احتمالاً بطور اجباری به جنوب شرقی ایران کنونی کوچانده شده و در ناحیه‌ای که بعدها «بلوچستان» نامیده شده است، سکنی گزیدند (نادری و همکاران، ۱۳۹۷: ۷۷). نظر به وسعت کلان و جمعیت چشمگیری که در این استان وجود دارد، قومیت‌ها، تیره‌ها و طوایف متعددی نیز در کنار هم زندگی می‌کنند اما ویژگی‌های قومی غالب در این استان، برخاسته از فرهنگ و آداب و رسوم قوم بلوچ است که از کهن‌ترین و اصیل‌ترین اقوام ایرانی است و همچنین غالب ویژگی‌های دینی و مذهبی نیز در این استان برخاسته از آموزه‌های دین اسلام و مذهب سنی حنفی و شیعه جعفری می‌باشد. تنوع فرهنگی موجود در مرکز این استان یعنی شهرستان زاهدان می‌تواند زمینه‌ی تعاملات اجتماعی را بین پیروان ادیان و اقوام مختلف فراهم می‌کند. شهرستان زاهدان با توجه به بافت متنوع قومی، طایفه‌ای و البته دینی و مذهبی بیشتر در معرض شکاف‌ها، تضادهای اجتماعی و نابرابری‌های قومی-مذهبی است (شیردل و همکاران، ۱۴۰۰) این واقعیت نشان دهنده تفاوت‌های مذهبی مردم این شهرستان است که اگر تعامل و همزیستی مسالمت آمیز به درستی حفظ نشود، می‌تواند درگیری بین مردم مذهبی ایجاد نماید که با ارزش اساسی خود دین که صلح، احترام متقابل و کمک به همدیگر را می‌آموزد، در تضاد است. کشف زمینه‌های برساخت تعامل بین ادیان و مذاهب در شهرستان زاهدان که بیشتر شامل مذاهب اسلامی اهل تسنن و تشیع می‌باشد می‌تواند به درک اهمیت گفتگوی بین ادیان، از بین بردن تعصبات و سوء تفاهم‌ها در مورد اعتقادات و باورها، همچنین به تحقق اهداف مشترک برقراری عدالت و صلح جهانی، محافظت از خانواده‌ها در برابر تنش‌ها و خطرات، حمایت از حقوق بشر و ارتقای ارزش‌های اخلاقی کمک نماید (امان اندرابی و همکاران، ۲۰۲۰).

گفتگو و تعامل بین ادیان، درباره افرادی با مذاهب مختلف است که به درک متقابل و احترام می‌رسند و به آن‌ها امکان می‌دهد علیرغم تفاوت‌های‌شان با یکدیگر زندگی و همکاری کنند. اصطلاح گفتگوی بین ادیان به تعامل مثبت و مشارکتی بین افراد دارای ادیان و سنت‌های مذهبی مختلف در سطح فردی و نهادی اشاره دارد. هر یک از طرفین به عقاید خود وفادار می‌ماند و در عین حال به حق طرف مقابل برای اعمال آزادانه دین خود احترام می‌گذارد. گفتگوی بین ادیان شامل تعامل و روابط انسانی بین افراد و جوامع در سطوح مختلف می‌شود (پوپوسکا^۱ و همکاران، ۲۰۱۷؛ ۱). همان‌طور که هابرماس تعامل را برای کنش ارتباطی و مفاهمه ضروری می‌داند (هابرماس^۲، ۱۳۷۹)، می‌توان تعامل را در قالب ارتباط توده‌های مردم دیندار با یکدیگر، روابط و مناسبات دولت‌های دینی با هم، برخورد دولت‌های دینی با توده‌ها و مشابه آن در نظر گرفت (فلاح زاده، ۱۳۸۶). در سده‌ی شانزده میلادی به دنبال جنگ‌های مذهبی و درگیری‌هایی که با انگیزه‌ی دینی میان فرقه‌های مذهبی صورت می‌گرفت، راه حل مدارا با عقاید دینی مخالف و گفتگوی بین ادیان برای پایان دادن به این درگیری‌ها مطرح گردید (بشیریه، ۱۳۷۴: ۶۱). نتایج نشان داد که داشتن روابط دوطرفه، تعصب را کاهش می‌دهد و سبب کاهش فاصله اجتماعی می‌شود (هنری و هاردین^۳، ۲۰۰۶). بنابراین، این تحقیق با رویکرد کیفی و روش‌شناسی نظریه زمینه‌ای در پی آن است که نحوه شکل‌گیری فرایند اجتماعی (زمینه‌ها و شرایط مختلف، راهبردها و پیامدها) تعامل بین ادیان و مذاهب مختلف در بافت متنوع و متکثر فرهنگی و دینی را از منظر جوانان تحصیلکرده که از مناطق مختلف استان سیستان و بلوچستان به شهر زاهدان آمده‌اند را مطالعه و واکاوی نماید.

پیشینه پژوهش

جازاری معموئی (۱۴۰۱) در پژوهشی تحت عنوان «تحلیل شیوه "تعامل بین‌الادیانی" در اندیشه هنری دوله‌وگ» بیان می‌کند که دوله‌وگ نقاط اشتراک زیادی را در حوزه اخلاق، عقاید، نبوت و نقش انبیاء، توحید و نیز برخی مسائلی کلامی جدید مانند جایگاه عقل و ایمان در دین، میان آموزه‌های اسلام و مسیحیت می‌یابد که زمینه‌های مستعد تفکر در هر دو آئین را فراهم می‌کند.

¹ Popovska

² Habermas

³ Henry P.J; Hardin

طاهری آکردی و امیری (۱۳۹۹) در پژوهشی تحت عنوان «تقریب ادیان ابراهیمی، ضرورت، چالش‌ها و آسیب‌ها» بیان کردند که تقریب بین ادیان بدون طی کردن مقدمات، تقریب بدون شناخت مبانی و اصول ادیان دیگر، عدم آشنایی با نظام تقریب دینی، جایگاه اصلاح و احیاء دینی، فقدان تجربه لازم در موقعیت حاکمیت دین از جمله آسیب‌های تقریب بین ادیان شمرده شده است. آشنا بودن با مبانی و اصول خود و ادیان دیگر سبب خواهد شد که تقریب را فراتر از بازنشر آموزه‌های بنیادین یک دین در جوامع دیگر نگرسته و امکانات و فرصت‌های تقریبی را تضييع ننماید و در این مسیر در دام تحجر و بدعت گرفتار نشود.

کاروانی و همکاران (۱۳۹۸) در پژوهشی تحت عنوان «کاوش کیفی فرایندهای برساخت هویت اجتماعی در میان دانشجویان بلوچ: به سوی نظریه ای زمینه‌ای» دریافتند که بستری مانند موقعیت مذهبی قوم بلوچ، شکاف قومی و مذهبی در استان، موقعیت جغرافیایی نامطلوب و در کنار شرایطی مثل مذهب به مثابه مبانی سیاست، تبعیض قومیتی، واپس‌رانی اداری و مدیریتی، بازنمایی‌های منفی رسانه‌ای، مشروعیت‌بخشی قانونی، قرارگیری در مرز، دوری از مرکز و احساس عدم توزیع عادلانه امکانات سبب برساخت هویت حاشیه‌ای در میان دانشجویان بلوچ شده است.

کاروانی و غفاری‌نسب (۱۳۹۸) در پژوهشی تحت عنوان «فرایند حاشیه‌ای شدن هویت مورد مطالعه: دانشجویان بلوچ دوره تحصیلات تکمیلی» ابراز کردند که نیروها و شرایطی مانند ناهمسانی و ناهمسازی مذهبی، پذیرش بوروکراتیک ضعیف، دفع دیوان‌سالارانه هویت بلوچی، بازنمایی منفی و کلیشه‌سازی رسانه‌ای از هویت بلوچ‌ها، آموزش و پرورش، هژمونی فرهنگی و سیاست محو‌زبانی، مشروعیت‌یافتگی حاشیه‌ای شدن، مکانمندی نامطلوب، سوءمدیریت مدیران دولتی و سیاستمداران، توسعه‌نیافتگی و محرومیت و ناکارآمدی نیروهای سطح استان، در ظهور هویت حاشیه‌ای نقش دارند. اصلی‌ترین پیامد ظهور هویت حاشیه‌ای از جمله فرسایش و گسست تعلق به هویت ملی، برجسته‌شدن مرزهای هویتی است.

آرتون^۱ (۲۰۱۶) در پژوهشی با عنوان «گفتگوی بین ادیان: هفت سوال کلیدی برای تئوری، سیاست و عمل» نشان داده است که چگونه همه کسانی که در فرآیند گفتگوی بین ادیان دخیل هستند (از جمله کسانی که به دنبال تسهیل آن هستند) جهان بینی و ارزش‌های خود را به همراه دارند. آن‌ها همچنین برنامه‌های متفاوت و تفاوت‌های خود را در موقعیت‌های قدرت و موقعیت در جامعه گسترده‌تر و همچنین خاطرات و تجربیات تعاملات تاریخی با دیگران را به

¹ Andrew Orton

ارمغان می‌آورند. وی استدلال کرده‌است که درگیر شدن با پرسش‌های اثربخش در گفت‌وگوی ادیان مستلزم آن است که شرکت‌کنندگان مایل باشند و بتوانند به طور انعکاسی، انتقادی و سازنده با پرسش‌هایی درباره شرکت‌کنندگان، اهداف، فرآیندها و معضلات درون فرآیند گفتگو درگیر شوند.

تحقیقات موجود در حوزه تقریب بین ادیان بیشتر در سطح معرفتی و فلسفه دینی انجام شده‌اند و به شناخت علمی و تجربی لایه‌های زیرین تعامل بین ادیان در یک فضای متکثر فرهنگی، قومی و مذهبی نظیر شهرستان زاهدان نپرداخته‌اند. خلأ پژوهشی و تبیین جامع و بومی در خصوص چگونگی فرایند اجتماعی شکل‌گیری تعامل بین ادیان و مذاهب در شهرستان زاهدان وجود دارد. نظر به اشتراکات تاریخی و عقیدتی در ادیان و مذاهب مختلف، امکان تقریب وفاق‌نگر وجود دارد و در جوامع متنوع از نظر قومی و مذهبی نظیر زاهدان، این نزدیکی و صمیمیت بین پیروان ادیان و مذاهب می‌تواند بسیار راهگشا واقع شود.

ملاحظات نظری

در پژوهش حاضر براساس روش تحقیق کیفی و نظریه زمینه‌ای محقق نظریه و مدل مفهومی از قبل تعیین شده ندارد، بلکه با ذهن خالی از ارزش وارد میدان تحقیق و جمع‌آوری اطلاعات می‌شود. بنابراین، مطالعه نظریه‌های موجود صرفاً جهت حساسیت نظری و مقایسه بین نتایج تحقیق تجربی حاضر با دانش نظری موجود صورت می‌گیرد.

به صورت کلی می‌توان به گفتگو به مثابه نوعی تعامل از دو منظر عام نگریست:

الف) شناختی: که در آن تبادل اندیشه بین دو شخص یا بیشتر در جهت رسیدن به شناختی از چیزی رخ می‌دهد.

ب) ارتباطی: عملی که در آن افراد فرصت می‌یابند تا با هم ارتباط برقرار کنند (نیستانی، ۱۳۹۱: ۱۴).

به نظر می‌رسد این دو نوع زاویه دید بر نوع تعریف از گفت‌وگوی بین ادیان بسیار اثرگذار خواهد بود. از منظر اول، گفت‌وگو به مثابه روشی برای فهم و فهماندن تلقی می‌گردد. هدف اصلی هم همان فهم است. لذا می‌توان گفت‌وگوی شناختی را وسیله‌ای برای انتقال شناخت محسوب کرد؛ این در حالی است که از منظر دوم، گفتگو به خودی خود مهم و هدف قلمداد می‌گردد. بنابراین در گفتگوی ارتباطی ما به دنبال نفس گفت‌وگو هستیم (نه چیز دیگری مانند نیل و کشف حقیقت یا حتی فهم و إفهام) (بشیر و شجاعی، ۱۳۹۶: ۱۹۹).

اندیشمندان حوزه جامعه‌شناسی دین از جمله وبر و دورکیم، معتقدند که مذهب و اعتقادات دینی افراد، بر رفتارهای دیگر آنان از جمله رفتارهای اقتصادی، اخلاقی و اجتماعی تأثیرگذار است. به عبارت دیگر، آنچه انسان‌ها از دین‌شان درک می‌کنند، ممکن است به طور مستقیم در تصمیم‌گیری‌ها و رفتارهای بیرونی آن‌ها در اجتماع نمود پیدا کند و در واقع، اینکه ما پیرو دینی باشیم، در شکل‌گیری افکار، رفتارها و کنش‌های اجتماعی ما تأثیرگذار است. بیشتر اندیشمندان حوزه کارکردگرایی از جمله دورکیم و رابرتز، در زمینه کارکرد مثبت دین در انسجام پیروان یک دین قلم زده‌اند. از نظر آن‌ها، دین موجب گردآمدن افراد حول یک اجتماع واحد می‌شود، به پیوند میان دینداران می‌انجامد و از این طریق در ایجاد حس هویت در افراد نقش بسزایی دارد. از نظر دورکیم، دین به دلیل مجموعه باورها و مناسکی که برای پیروان آن تجویز شده است، آن‌ها را حول یک اجتماع واحد جمع می‌کند و به عنوان یک پدیده سراسر جمعی، انسان‌ها را به یکدیگر پیوند می‌زند (کوزر، ۱۳۸۹: ۱۹۸). رابرتز نیز اشاره می‌کند که حس تعلق به دین، در شناخت افراد از خود به عنوان یک مسلمان، مسیحی و ... اهمیت دارد. بنابراین، دین قابلیت آن را دارد که هنجارهای گروهی و یگانگی افراد جامعه را تقویت کند، اما ممکن است این انسجام درون گروهی یا حس تعلق دینی و یگانگی هم‌دینان با یکدیگر، سبب ایجاد فاصله و جدایی با دیگرانی شود که جزء هم‌دینان آنان محسوب نمی‌شوند. از نظر رابرتز، کارکرد تعلق دین به این معناست که دین یک احساس تعلق (به گروه مرجع) حس هویت گروهی و حس «ما» را به وجود می‌آورد که قادر است نوعی خاص‌گرایی را به دنبال داشته باشد. او بر این عقیده است که ایجاد حس «ما» به این باور منجر می‌شود که دین خود ما مشروع و درست است و دیگر نظام‌های اعتقادی غلط هستند. چنین اعتقادی، گرایش به افزایش حس برتری درون گروهی و تمایزگذاری بین «ما» و «آنها» بوجود می‌آورد (رابرتز، ۱۹۹۵: ۶۳ به نقل از شایسته مجد، ۱۳۸۶: ۱).

از نظر برگر، در جوامع سنتی، نمادها و باورهای دینی تمام نهادها و تجربیات افراد را تأیید می‌کنند. در جوامع پیشرفته و مدرن با ازدیاد و تنوع زیست جهان‌ها، تقسیم کار و تخصصی شدن امور و مدرن شدن عرصه‌های زندگی و حوزه‌های آگاهی بشر وظیفه قدیمی دین مورد تهدید جدی قرار گرفته است. به عبارت دیگر وی معتقد است در جامعه جدید با کثرت زیست جهان‌ها، افراد بدون تفسیر مذهبی به برساخت معنای زیست جهان خود می‌پردازند و این موجب کاهش وفاداری محض و هویت دینی متعصبانه می‌شود (برگر^۱، ۱۹۶۷).

^۱. Berger

بروس، دیگر جامعه‌شناس حوزه دین، معتقد است مهم‌ترین پیامد مدرنیته ترکیبی از فردگرایی، برابری خواهی و تکثر است؛ که اولاً موجب این می‌شود که نتوان از مردم خواست از دین واحد یا سبک دینداری یکسانی پیروی کنند. ثانیاً وابستگی "همبستگی اجتماعی" به "دینداری اعضای جامعه" کمتر می‌شود. ثالثاً ناراست جلوه دادن پیروان دیگر ادیان توسط یک دین دشوارتر می‌گردد (بروس^۱، ۲۰۰۲). براساس این نظریات می‌توان گفت در جامعه مدرن بدلیل افزایش زیست جهان‌ها و رشد فردیت و کاهش تعصب دینی، تعاملات اجتماعی بین ادیان گسترش یافته و عادی می‌شود.

در نظر عده‌ای تلاش برای تقریب ادیان و بخصوص ادیان ابراهیمی ثمره‌ای نداشته و به نتیجه نمی‌رسد (توفیقی، ۱۳۷۹: ۲۱۱)؛ زیرا قدرت طلبی سران ملل و نحل، سوء تفاهم‌های تاریخی میان ادیان و انحصارگرایی موانع بزرگی در این مسیر هستند که روزه‌های تقریب را مسدود می‌کنند. به عقیده برخی نیز تقریب هم ممکن و هم مفید است، زیرا باعث رفع سوء تفاهم‌ها، افتراءها و مرزهای ابهام خواهد شد. به رشد عقلانی دینداران و بشریت کمک می‌کند و با تمرکز بر اشتراکات ادیان، زمینه نزدیکی ادیان را فراهم می‌آورد (رشاد، ۱۳۸۶: ۱۳).

با توجه به نزدیکی انسان‌ها به واسطه پیشرفت‌های ارتباطی، تقریب در عمل محقق شده و کوتاهی دینداران در این زمینه فرصت‌سوزی و دچار شدن به عوارض آن خواهد بود. با توجه به برخی مشکلات بشری نظیر بحران معنویت و اخلاق، تهدید هویت، بحران بدبینی به زندگی و آینده جهان و بی‌عدالتی در روابط بین‌الملل و ... راه برون رفت از آن‌ها را می‌توان تقریب دینداران، پیروی از آموزه‌های دینی و احیاء جایگاه دین در نظام بین‌الملل برشمرد (رشاد، ۱۳۸۶: ۱۳). بسط ارزش‌های دینی برای برآوردن ارزش‌های نوع‌دوستی، ارزش‌های اخلاقی، بسط صلح و دوستی، احترام به حقوق انسان‌ها، بسط عدالت در جامعه بر ضرورت تقریب ادیان الهی به عنوان رسالتی بزرگ تاکید دارد (آیت‌اللهی، ۱۳۹۲، ۴۶۵-۴۶۴).

روش پژوهش

این تحقیق به دنبال مطالعه زمینه‌های شکل‌گیری تقریب بین ادیان و مذاهب در بین جوانان تحصیلکرده است که از مناطق مختلف استان سیستان و بلوچستان در شهرستان زاهدان حضور داشتند. به دلیل اهمیت تنوع فرهنگی موقعیت جامعه مورد مطالعه و ضرورت کسب اطلاعات

¹ Bruce

عمیق و واقعی در راستای دستیابی به مدل مفهومی جامع‌تر، از روش‌شناسی نظریه‌ی زمینه‌ای بر پایه‌ی دیدگاه این گروه از مشارکت‌کنندگان استفاده شد. در واقع، محقق نظریه‌ی زمینه‌ای به دنبال تولید نظریه‌ای در بررسی و مطالعه کسانی است که در فرایند کنش یا تعامل مشابهی درگیرند (اشتراوس و کوربین^۱، ۱۳۹۰). برای انتخاب مشارکت‌کنندگان از روش نمونه‌گیری نظری و حداکثر تنوع (جنسیت، مذهب، سن، منطقه سکونت) استفاده شده است.

گردآوری داده‌ها از طریق مصاحبه‌های نیمه‌ساختار یافته در سال ۱۴۰۰ طی یک بازه زمانی ۶ ماهه انجام پذیرفته است. مصاحبه‌ها در محیط دانشگاه انجام شده و مصاحبه‌ها بین ۱:۳۰ الی ۴ ساعت طول کشیده‌اند. همکاری مشارکت‌کنندگان در مصاحبه، با کسب رضایت‌شان انجام شد و در ابتدای مصاحبه تمامی حقوق به مشارکت‌کنندگان توضیح داده شده و سپس با رضایت آن‌ها مصاحبه آغاز شد. ابتدا از مشارکت‌کنندگان خواسته شد برداشت و تعریف خود را از صمیمیت بین ادیان بیان کرده و تجربه خود را در این مورد شرح دهند. همچنین در مورد شرایط مختلفی مانند فرهنگ قومی، تعاملات خانوادگی و اجتماعی، رسانه‌ها، محیط آموزشی، تاریخ دینی و ملی، واکنش آنها در این شرایط و پیامدهای تعامل با سایر ادیان و مذاهب سوال شد.

نمونه این تحقیق پس از مصاحبه با ۲۵ نفر به اشباع نظری رسید. در فرایند انجام مصاحبه‌ها و تحلیل آنها پژوهشگر متوجه انباشت و تکمیل اطلاعات از سوی مشارکت‌کنندگان مختلف شد. در این روش، طی فرایندی رفت‌وبرگشتی به تدریج از دل کدها، مفاهیم و از دل مفاهیم، مقوله‌ها و از دل مقوله‌ها، مدل مفهومی بیرون می‌آید. برای تحلیل داده‌ها بر اساس روش تحلیل اشتراوس و کوربین سه مرحله‌ی کدگذاری انجام شد: ۱- کدگذاری باز؛ ۲- کدگذاری محوری؛ ۳- کدگذاری گزینشی.

در کدگذاری باز، متن مصاحبه‌ها چندین بار خوانده و حدود ۱۰۸ مفهوم از جملات معنی‌دار استخراج شد. مفاهیم در کدگذاری محوری در ۲۴ مقوله‌ی فرعی و ۱۰ مقوله‌ی اصلی و انتزاعی‌تر تلفیق شدند. در نهایت یک مقوله‌ی هسته‌ای نهایی «فرهنگ تعامل در جامعه و همگرایی بین ادیان» که جامع و چکیده‌ای از تمامی مقولات اصلی و تحلیل داستانی از فرایند داده‌هاست استخراج شد.

در این پژوهش، از راهبردهای مثلث‌بندی، اعتبار پاسخ‌گو و مقایسه‌های تحلیلی برای اثبات قابلیت اعتماد و افزایش باورپذیری براساس نظریه‌ی زمینه‌ای اشتراوس و کوربین استفاده شده

¹ Strauss and Corbin

است. برای اعتباریابی یافته‌های تحقیق از مثلث‌بندی کدگذاران، محققان و متخصصان اجتماعی استفاده شد، بدین ترتیب که در جریان تحلیل اطلاعات، کدگذاران مختلف مشارکت داده شدند و بین آنها در مورد یافته‌های تحقیق توافق وجود داشت. نکاتی که از سوی متخصصان بعد از نتایج تحقیق ارائه شد، همگی در جهت تأیید یافته‌های تحقیق بودند.

بعد از تحلیل اطلاعات، متن مصاحبه و تحلیل آن با تعدادی از مشارکت‌کنندگان مطرح شد تا اطمینان لازم بدست آید که خلاصه‌ی دقیق و کاملی از مباحث تهیه شده و نظرات و نکاتی که مشارکت‌کنندگان بر آن تأکید داشته‌اند، در تحلیل اطلاعات، برجسته شده است. همچنین محقق در مراحل مختلف جمع‌آوری و تحلیل اطلاعات، به پیش‌فرض‌های روش‌شناسی، سؤالات اساسی تحقیق و داده‌ها رجوع کرده و ساخت‌بندی مقولات و مدل پارادایمی را با داده‌های خام مقایسه کرد تا از صحت یافته‌های تحقیق به دست آمده اطمینان حاصل کند.

در این پژوهش با ۲۵ نفر از جوانان ۱۹ تا ۳۵ ساله شهرستان زاهدان مصاحبه شد. ۱۵ نفر از مشارکت‌کنندگان زن و ۱۰ نفر مرد بودند. ۱۰ نفر از مشارکت‌کنندگان این تحقیق اهل سنت و ۱۳ نفر شیعه و ۲ نفر غیرمسلمان بودند.

جدول شماره ۱: ویژگی‌های مشارکت‌کنندگان

ردیف	جنس	سن	تحصیلات	مذهب	تحصیلات والدین
۱	زن	۱۹	دیپلم	سنی	دیپلم - دیپلم
۲	زن	۲۰	دیپلم	سنی	دیپلم - دیپلم
۳	زن	۲۳	لیسانس	سنی	دیپلم - دیپلم
۴	زن	۱۹	دیپلم	سنی	دیپلم - دیپلم
۵	زن	۲۰	دیپلم	شیعه	دیپلم - دیپلم
۶	مرد	۲۰	دیپلم	شیعه	لیسانس - لیسانس
۷	زن	۲۰	دیپلم	سنی	دیپلم - بیسواد
۸	مرد	۲۰	دیپلم	سنی	لیسانس - لیسانس
۹	زن	۱۹	دیپلم	شیعه	بیسواد - دیپلم
۱۰	زن	۲۳	لیسانس	شیعه	بیسواد - دیپلم
۱۱	زن	۱۹	دیپلم	شیعه	دیپلم - دیپلم
۱۲	زن	۲۰	دیپلم	شیعه	دیپلم - دیپلم
۱۳	زن	۲۱	لیسانس	شیعه	دیپلم - دیپلم

ردیف	جنس	سن	تحصیلات	مذهب	تحصیلات والدین
۱۴	زن	۲۳	لیسانس	سنی	بیسواد- بیسواد
۱۵	زن	۲۱	لیسانس	سنی	لیسانس - لیسانس
۱۶	زن	۱۹	دیپلم	شیعه	دیپلم - بیسواد
۱۷	مرد	۲۰	دیپلم	سنی	دیپلم - دیپلم
۱۸	مرد	۲۰	دیپلم	شیعه	لیسانس - لیسانس
۱۹	مرد	۲۰	دیپلم	شیعه	دیپلم - دیپلم
۲۰	مرد	۲۰	دیپلم	شیعه	لیسانس - لیسانس
۲۱	مرد	۳۱	فوق لیسانس	شیعه	لیسانس - لیسانس
۲۲	مرد	۱۹	دیپلم	شیعه	دیپلم - دیپلم
۲۳	زن	۳۱	فوق لیسانس	سنی	فوق لیسانس - لیسانس
۲۴	مرد	۳۵	دکتری	زرتشتی	دیپلم - دیپلم
۲۵	مرد	۲۳	لیسانس	بی‌دین	لیسانس - لیسانس

یافته‌ها

پس از جمع‌آوری و تحلیل داده‌های پژوهش، مقولات اصلی «همگرایی در فضای دانشگاهی و توسعه تعاملات بین ادیان»، «روش‌های تربیتی مبتنی بر تعاملات مثبت و سازنده با سایر ادیان و مذاهب»، «الگوی دینداری وفاق آفرین»، «گذر از اختلافات دینی به تعاملات صمیمانه فرادینی»، «همزیستی مسالمت‌آمیز و همگرایی ادیان و مذاهب در سایه صلح و احترام متقابل» و مقوله محوری «فرهنگ تعامل در جامعه و همگرایی بین ادیان» استخراج شد. در این بخش مقولات اصلی به همراه نقل قول مشارکت‌کنندگان ارائه می‌شود.

شرایط زمینه‌ای

عوامل مختلفی مانند فرایند و روش‌های تربیتی و برساخت فرهنگ تعاملات سازنده با سایر ادیان و مذاهب بعنوان متغیرهای اساسی و ریشه‌ای که بسترساز همگرایی ادیان هستند، شمرده می‌شوند. شروع فرایند جامعه‌پذیری هر فردی از محیط خانواده شروع می‌شود و بنا به روش‌های تربیتی که توسط والدین اتخاذ می‌شود، فرد برای حضور مفید و کارآمد در جامعه آماده می‌شود. این مقوله که از مفاهیمی مانند «شیوه تربیت در کودکی و شکل‌گیری فرهنگ تعامل با ادیان» و «اشاعه

فرهنگ تعاملی و متکثر دینی و همگرایی بین ادیان» تشکیل شده است، بر نقش تربیت خانوادگی در شکل‌گیری و برساخت فرهنگ تعاملی در یک جامعه با تنوع دینی و مذهبی اشاره می‌کند.

الف) شیوه تربیت در کودکی و شکل‌گیری فرهنگ تعامل با ادیان

این مقوله فرعی از مفاهیمی مانند «تربیت ریشه‌ای کودکان و ترویج فرهنگ صمیمیت بین ادیان» و «تربیت فرزندان، آغاز عدم اختلاف با سایر ادیان و مذاهب» تشکیل شده است و بر نقش اساسی والدین در درونی‌کردن فرهنگ تعاملی توسط فرزندان اشاره می‌کند. مشارکت‌کننده شماره ۱۲ (زن، ۲۰ ساله، شیعه) در رابطه با نقش والدین در تعامل با پیروان سایر ادیان و مذاهب می‌گوید:

«والدینم تاثیر مثبتی در طرز فکر من داشته و همیشه مشوق من در فراگرفتن ویژگی مثبت دیگر ادیان بوده‌اند. از نمونه تجربیات که تاثیر مثبتی در ذهن من داشته است، این که والدینم دارای دوستانی با مذهبی متفاوت بودند و همیشه با احترام و صمیمیت با آنها برخورد می‌کردند. مشارکت‌کننده شماره ۱۰ (زن، ۲۳ ساله، شیعه) می‌گوید:

«سبک تربیتی والدین و میزان توجه آن‌ها به تعامل کودکان با کسانی که مذهب و آئینی متفاوتی دارند، نقش تعیین‌کننده‌ای در آینده روابط کودکان با پیروان سایر ادیان و مذاهب خواهد داشت».

ب) اشاعه فرهنگ تعاملی و متکثر دینی و همگرایی بین ادیان

ترویج فرهنگ تعاملی در هر جامعه‌ای نیازمند مساعدت همه جانبه تمامی نهادهاست. از حوزه فردی و خانوادگی تا فضای آموزشی و رسانه‌ای همگی در این مسیر می‌توانند تعیین‌کننده باشند. همانطور که به نقش مهم نهاد خانواده در این مسیر اشاره شد، این مقوله با محوریت مفاهیمی مرتبط با نقش رسانه، بر نقش این حوزه در شکل‌گیری فرهنگ تعاملی تاکید می‌کند.

مشارکت‌کننده شماره ۲۱ (مرد، ۳۱ ساله، شیعه) می‌گوید:

«رسانه‌ها و شبکه‌ها نقش بسزایی در تعاملات بین ادیان دارند و با فیلم و مستندهایی که از وحدت و یکپارچگی انسان‌ها و مذاهب دیگر نشان می‌دهند می‌توانند این نقش را ایفا کنند. هر رسانه به نوبه خود می‌تواند طرز فکر انسان‌ها را در مورد دیگر ادیان و مذاهب تغییر دهد و با نشان دادن ارزش‌های دینی آن‌ها بر دیگر ادیان و مذاهب تاثیر بگذارد».

مشارکت‌کننده شماره ۱۷ (مرد، ۱۷ ساله، سنی) می‌گوید:

«به نظرم رسانه‌ها با تبلیغ کردن از ادیان و بهتر نشان دادن یک دین و تفرقه نیانداختن بین آن‌ها می‌توانند مفید باشند، چون همه‌ی ادیان فقط یک معبود را می‌پرستند حالا هر دینی یا

مذهبی یا عقایدی دارند اما همه آنها یکتا پرست هستند و رسانه‌ها می‌توانند عامل خوبی برای انتقال فرهنگ دینی ادیان باشد».

شرایط علی

همگرایی در فضای آموزشی و توسعه تعاملات بین ادیان

فضای آموزشی و بالاخص مدارس که بعد از محیط خانواده مهمترین نهادهایی هستند که در فرایند جامعه‌پذیری افراد نقش دارند، به میزان زیادی در نوع کنش افراد می‌توانند موثر باشند. آموزش در مدارس یا دانشگاه‌ها در کنار پیشینه تربیتی که به محیط خانواده برمی‌گردد، می‌تواند به میزان قابل توجهی مکمل آموزه‌های تربیتی فرد باشد. بدین معنی که، اگر وظیفه آموزش مبتنی بر فرهنگ همگرایی و تعامل را در فضای آموزشی در نظر بگیریم، این مهم می‌تواند کودکان یا جوانانی که چنین ارزش‌های انسانی را در فضای خانواده فراگرفته‌اند، بیش از پیش به سوی تشکیل جامعه‌ای یکدست و هم‌سو تشویق کند و از طرفی آن دسته از افرادی که با این سبک تربیتی میانه‌ای نداشته‌اند را آماده پذیرش و درونی‌سازی فرهنگ همگرایی و تعامل کند. این بخش به کمک مقولات فرعی چون «فضای آموزشی، بستر تعامل بین ادیان» و «نقش الگوهای آموزشی در توسعه تعاملات بین ادیان و مذاهب» سعی در توضیح نقش سازنده فضای آموزشی در شکل‌گیری فرهنگ تعاملی بین ادیان دارد.

الف) فضای آموزشی، بستر تعامل بین ادیان

نظر به جایگاه مهم و حیاتی نهادهای آموزشی در تربیت نسل جوان و تعیین‌کنندگی کنش این قشر در شکل‌گیری عناصر بنیادی فرهنگ در جامعه، می‌توان محیط آموزشی را از بسترهای اساسی توسعه فرهنگی دانست. این مقوله فرعی که از مفاهیمی مانند «نقش فضای آموزشی در ایجاد وحدت و همبستگی بین پیروان ادیان و مذاهب» و «مدرسه و دانشگاه نماد وحدت» تشکیل شده است، بر محیط آموزشی به عنوان عامل تاثیرگذار بر بهبود تعامل بین ادیان اشاره دارد. مشارکت‌کننده شماره ۱۴ (زن، ۲۳ ساله، سنی) در رابطه با وحدت‌آفرینی فضای آموزشی می‌گوید:

«آموزش رسمی مانند دانشگاه و مدرسه در روابط با سایر ادیان و مذاهب تاثیر می‌گذارد و باعث ایجاد همدلی و وحدت و صمیمیت و ارتباطی دوستانه با دیگر ادیان و مذاهب می‌شود مثلا ما در دانشگاه بعنوان همکلاسی شیعه و سنی باهم درس می‌خوانیم».

مشارکت‌کننده شماره ۱۳ (زن، ۲۱ ساله، شیعه) در رابطه با محیط سازنده دانشگاه می‌گوید:
«آموزش در دانشگاه باعث شده ما بیشتر با ادیان دیگر در ارتباط باشیم و آنان را بیشتر بفهمیم».

ب) نقش الگوهای آموزشی در توسعه تعاملات بین ادیان و مذاهب

همانطور که به نقش برجسته نهاد آموزش در شکل‌گیری فرهنگ تعامل بین ادیان از منظر مشارکت‌کنندگان اشاره شد، بدیهی است که سطح کیفی آموزش مشخصاً ارتباط مستقیمی با الگوهای آموزشی و البته معلمانی دارد که در این نهاد مشغول تعلیم هستند. این مقوله فرعی که از مفاهیمی با محوریت «نقش معلم‌ها و اساتید در تعامل سازنده بین مذاهب و ادیان» تشکیل شده است، بر همین موضوع تأکید می‌کند.

مشارکت‌کننده شماره ۱۹ (مرد، ۲۰ ساله، شیعه) می‌گوید:

«معلم و استاد می‌توانند اشتراکات و اختلافات ادیان مختلف را برای دانش‌آموزان و دانشجویان توضیح دهند تا آن‌ها بتوانند تعامل خوبی با ادیان مختلف داشته باشند».

مشارکت‌کننده شماره ۳ (زن، ۲۳ ساله، سنی) معتقد بود:

«راهنمایان آموزشی در مدارس یا دانشگاه‌ها می‌بایست خود را موظف به ترویج فرهنگ تعامل بدانند، بخصوص کسانی که در مناطقی با تنوع قومی و مذهبی در حال خدمت و تدریس هستند».

شرایط مداخله‌گر

الگوی دینداری وفاق آفرین

در زاهدان به‌عنوان شهری مذهبی، ارزش‌های دینی جایگاه ویژه‌ای در زندگی روزمره مردم دارد و حرف‌شنوی آن‌ها از علمای دینی قابل توجه است. با فراگیر شدن یک الگوی دینی وحدت‌آفرین به بهترین شکل ممکن می‌توان از تنوع دینی و مذهبی این استان در راستای توسعه و آبادانی بهره برد. چنانچه از ظرفیت‌های ویژه فضای دینی و مذهبی شهرستان زاهدان در راستای ایجاد فرهنگ دینداری وفاق محور بر اساس آموزه‌های دینی استفاده شود، طبیعتاً کمک بزرگی به بهبود روابط بین ادیان و مذاهب خواهد کرد.

مقوله "الگوی دینداری وفاق آفرین" که از مقولاتی فرعی مانند «توصیه اسلام به احترام و تعامل نیکو با سایر ادیان» و «تمرکز بر اشتراکات و پایبندی به حقیقت‌طلبی و صلح‌جویی در برساخت دینداری» تشکیل شده است، به همین موضوع اشاره دارد.

الف) توصیه ادیان الهی به احترام و تعامل نیکو با سایر ادیان

این مقوله فرعی که از مفاهیمی چون «سفارش دین اسلام به رعایت حقوق سایر ادیان» و «تاکید ادیان بر روابط حسنه و نیکو» و «احترام و جلوگیری از تفرقه» تشکیل شده است، به این مهم اشاره می‌کند که پیروان راستین ادیان الهی، تعامل نیک با پیروان سایر ادیان را برای خود یک تکلیف می‌دانند.

مشارکت‌کننده شماره ۲۰ (مرد، ۲۰ ساله، شیعه) می‌گوید:

«تاکیدی که مراجع دینی و بزرگان در رابطه با سایر ادیان دارند این است که در تعاملات اجتماعی بطور کامل رعایت احترام و ادب پیروان سایر ادیان و مذاهب را داشته باشیم».

مشارکت‌کننده شماره ۲۴ (مرد، ۳۵ ساله، زرتشتی) در رابطه با ارتباط با پیروان سایر ادیان می‌گوید:

«در بین عالمان و مراجع دینی زرتشت من ندیده‌ام که تعصبات دینی وجود داشته باشد و با همه ادیان یکسان برخورد می‌کنند؛ یعنی دین یک موضوع شخصی است و اصل انسانیت است».

ب) تمرکز بر اشتراکات و حقیقت‌طلبی و صلح‌جویی در برساخت دینداری

مفاهیمی مانند «دیندار واقعی و پایبند به اعتقادات و صلح و سازش» و «دیندار واقعی، در جستجوی حقیقت» مقوله فوق را تشکیل داده‌اند و در پی توضیح این نکته هستند که یک دیندار واقعی - در هر آئین و مذهبی - به ارزش‌های والای انسانی پایبند خواهد بود.

مشارکت‌کننده شماره ۶ (مرد، ۲۰ ساله، شیعه) می‌گوید:

«دیندار واقعی نه به مذاهب و ادیان دیگر توهین می‌کند و نه راضی به تفرقه میان ادیان و مذهب می‌شود. فکر می‌کنم کاملاً دیندار می‌باشم، به این دلیل که نه به ادیان دیگر توهین می‌کنم و نه بین مذاهب و ادیان دیگر تفرقه می‌اندازم. بیشتر هم به فطرت انسانی انسان پایبندم».

مشارکت‌کننده شماره ۴ (زن، ۱۹ ساله، سنی) می‌گوید:

«از نظر من دیندار واقعی کسی نیست که فقط مشغول عبادت، نماز و وعظ باشد. بلکه یک دیندار واقعی باید به اجتماع اطراف و مشکلات اساسی و تغییرات جامعه نیز توجه داشته باشد. من از نظر خودم شاید ۵۰ درصد دیندار باشم چون احکام دینی را تقریباً رعایت می‌کنم و در حال تلاش و مطلع شدن از جوامع اطراف هستم و اگر روزی کمکی از من برآید دریغ نخواهم کرد».

راهبردها

گذر از اختلافات دینی به تعاملات صمیمانه فرادینی

ذیل شرایطی که ذکر شد، محتمل بنظر می‌رسد بیش از آنکه اختلافات و شکاف‌های موجود بین ادیان و مذاهب برجسته شود، ضروری است تا تعاملات بین آن‌ها بر مبنای صمیمیت و با تاکید بر همگرایی مورد توجه قرار گیرد. وجود اشتراکات فراوان بین ادیان و مذاهب، زمینه‌ساز بستر تعامل، همگرایی و وفاق را فراهم می‌کند. در چنین بستر مساعدی، کافی است تا با تمسک به ارزش‌های اخلاقی و انسانی، زیستی مسالمت‌آمیز ضمن احترام متقابل به یکدیگر را تجربه کنیم. این مقوله که از مقولات فرعی جزئی‌تری مانند «تاکید بر اصول انسانی و ملی وفاق آفرین ضمن احترام متقابل در صمیمیت بین ادیان» و «برقراری تعامل دینی و کاهش اختلافات در فضای آزاد دینی» تشکیل شده است، بر همگرایی صمیمانه کنشگران ذیل یک فرهنگ تعاملی اشاره می‌کند.

الف) تاکید بر ارزش‌های انسانی و ملی وفاق آفرین

این مقوله با کمک مفاهیمی چون «کاهش اختلافات با پایبندی به اصول انسانیت و نگاه فرادینی و احترام متقابل»، «تاکید بر ملیت بعنوان عامل صمیمیت آفرین» و «تلاش برای ساختن جامعه‌ای پویا با ارزش‌های مشترک» به توضیح این مطلب می‌پردازد که پایبندی به اصول انسانی و ملی چقدر می‌تواند در همبستگی بین ادیان و مذاهب نقش داشته باشد.

مشارکت‌کننده شماره ۱ (زن، ۱۹ ساله، سنی) می‌گوید:

«با احترام گذاشتن به اعتقادات یکدیگر و توهین و مسخره نکردن، می‌توان صمیمیت ایجاد کرد. صمیمیت و اتحاد زمانی ایجاد می‌شود که بدانیم و بفهمیم که انسان‌ها نمی‌توانند عقیده‌ی یکسانی داشته باشند و عقیده‌ی هر کسی برای خودش محترم است».

مشارکت‌کننده شماره ۳ (زن، ۲۳ ساله، سنی) می‌گوید:

«ایجاد محیطی برادرانه با وحدت و محیطی فارغ از تضاد و نفرت و کینه و تاکید بر اینکه همگی هموطن و ایرانی هستیم، باعث می‌شود تا اختلافی نباشد و با تصور این محیط احساس می‌کنم که دیگر هیچ خللی بین ادیان و مذاهب وجود نداشته باشد».

ب) برقراری تعامل دینی و کاهش اختلافات در فضای آزاد دینی

مفاهیمی مانند «پرهیز از جداسازی پیروان ادیان و مذاهب جهت زدودن اختلاف»، «نیل به وحدت جهت کاهش اختلافات» و «محیطی بدون تبعیض و با یکدلی و اتحاد» ذیل این مقوله به اهمیت یکپارچگی پیروان ادیان و مذاهب در راستای حصول همبستگی و همگرایی اشاره می‌کند.

مشارکت‌کننده شماره ۱۵ (زن، ۲۱ ساله، سنی) می‌گوید:
«با همگرایی و همزیستی در محیطی که همه نوع ادیان و مذاهب زندگی می‌کنند و رفع تبعیض‌ها و حفظ احترام همدیگر، این محیط احساس آرامش را منتقل می‌کند».
مشارکت‌کننده شماره ۱۲ (زن، ۲۰ ساله، شیعه) می‌گوید:
«اینکه همه چیز آزاد باشد و هرکس اعتقادات خودش را داشته باشد، احساس رضایت و خوشنودی می‌کنیم چون کمتر اختلاف به وجود می‌آید».

پیامدها

همزیستی مسالمت‌آمیز و همگرایی ادیان و مذاهب در سایه صلح و احترام متقابل آنچه از دل متنی که تا بدین جا به آن پرداختیم، بدست می‌آید این است که می‌توانیم در جامعه‌ای مانند سیستان و بلوچستان با تنوع قومی و دینی و مذهبی شاهد «همزیستی صلح‌آمیز و تجارب خوشایند» در ضمن «وجود مناسبات فرهنگی و اقتصادی در تعامل بین ادیان» باشیم.

الف) همزیستی صلح‌آمیز و تجارب خوشایند

مشارکت‌کنندگان این پژوهش با اشتراک گذاشتن تجارب مفید و سازنده‌ای که از ارتباط با پیروان ادیان و مذاهب داشته‌اند به شکل‌گیری این مقوله یا مفاهیمی مانند «احساس خوب از تعامل با پیروان ادیان و مذاهب و استقبال از آن»، «گفتگو با پیروان ادیان مختلف بدور از تعصبات» و «ارتباط صمیمی با پیروان مذاهب و ادیان دیگر فارغ از درک مسائل دینی آن‌ها» کمک کردند.

مشارکت‌کننده شماره ۲۰ (مرد، ۲۰ ساله، شیعه) می‌گوید:
«رابطه‌ام با پیروان سایر ادیان و مذاهب محترمانه و بدون تنش بوده است. احترامی که طرفین به شخصیت مقابل بدون در نظر گرفتن دین و مذهب می‌گذارند و اخلاق و اعتماد در این رابطه خیلی مهم بوده است».
مشارکت‌کننده شماره ۱۲ (زن، ۲۰ ساله، شیعه) می‌گوید:
«تجربه دوستی با پیروان مذاهب دیگر را داشته‌ام و از نظر من بسیار تجربه مفید و خوبی است. انسان می‌تواند با اعتقادات و مراسم‌های مختلف آشنا شده و بیاموزد که فارغ از هر دین و مذهب می‌توان در کنار یکدیگر بود و قبل از همه این‌ها ما در انسان بودن مشترک هستیم».

ب) وجود مناسبات فرهنگی و اقتصادی در تعامل بین ادیان

«هم‌نشینی و ارتباط صمیمی در مناسبات مختلف» و «اتحاد و همدلی و داشتن روابط اقتصادی و فرهنگی نماد صمیمیت بین ادیان» مفاهیمی است که ذیل این مقوله از نقش مهم روایت فرهنگی و اقتصادی در همبستگی و همگرایی بین ادیان سخن می‌گوید.

مشارکت‌کننده شماره ۱۶ (زن، ۱۹ ساله، شیعه) می‌گوید:

«زندگی در کنار ادیان دیگر همیشه وجود دارد و تا جایی که من مشاهده کرده‌ام این رابطه بین دو مذهب شیعه و سنی مرز خاصی ندارد و ازدواج بین این مذاهب و خرید و فروش و روابط اقتصادی به نزدیک شدن آن‌ها بسیار کمک کرده است».

مشارکت‌کننده شماره ۹ (زن، ۱۹ ساله، شیعه) می‌گوید:

«بطور کلی مرزهای فرهنگی مشترکی بین افراد با گرایش‌های دینی و مذهبی مختلفی وجود دارد، ضروری است تا تعاملات فرهنگی همیشه برقرار باشد تا به گسترش این اشتراکات کمک کنیم. آسان‌گیری در ازدواج جوانان با مذاهب مختلف به نظرم خیلی می‌تواند به توسعه و رشد فرهنگ و شکلگیری صمیمیت بین پیروان مذاهب مختلف کمک کند».

رهیافت پارادایمی پژوهش

در این پژوهش، مقوله محوری و هسته‌ای که از داده‌ها به دست آمد و تمامی مقوله‌های اصلی دیگر به آن مرتبط می‌شوند، «فرهنگ تعامل در جامعه و همگرایی بین ادیان» است. مفهوم محوری این تحقیق بیان می‌کند که چگونه شرایط مختلف فرهنگی، اجتماعی، دینی، آموزشی و ... سبب هم‌گرایی دینی و تقریب ادیان و مذاهب در می‌شود.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



نمودار-۱: مدل پارادایمی مقوله هسته‌ای فرهنگ تعامل در جامعه و همگرایی بین ادیان

نتیجه گیری

در دوران معاصر بحث تعامل و تقریب ادیان و مذاهب جایگاه ویژه‌ای یافته است. بحران‌های پیش‌روی انسان‌ها و ظرفیت‌های ادیان الهی برای تکامل و هدایت بشر، ضرورت تقریب ادیان را بیش از پیش نمایان کرده است. بستر مناسبی که بنا به تنوع دینی و مذهبی در ایران نیز فراهم

است، می‌تواند عامل موثری برای رشد و توسعه اجتماعی و انسانی باشد. بدیهی است که تاکید بر وجوه تعامل آفرین و همگرا بین پیروان ادیان و مذاهب، می‌تواند راهکار مناسبی برای بهره‌برداری حداکثری از ظرفیت‌های تنوع دینی و مذهبی در ایران باشد.

این پژوهش به بررسی و مطالعه زمینه‌های تقریب و تعامل بین پیروان ادیان و مذاهب در شهرستان زاهدان که میزبان ادیان، مذاهب و اقوام متعددی از استان است و بخشی از مستعدترین نیروهای انسانی کشور را در خود می‌بیند، پرداخته است. نظر به نتایج این پژوهش، آنگاه که فرهنگ تعامل سازنده با هم‌نوعانی که اعتقادات دینی و مذهبی متفاوتی دارند، از دوران کودکی درونی شود و بستر تفکر وحدت‌آمیزی را فراهم سازد، بدیهی است که با کسب آموزش صحیح ضمن تعامل نیک با سایرین در فضاهای آموزشی مانند مدارس و دانشگاه‌ها، شاهد شکل‌گیری یک الگوی دینداری وفاق آفرین و وحدت‌بخش در جامعه خواهیم بود. این فرهنگ غنی و امیدبخش که ریشه در آداب و رسوم ملی ما نیز دارد، به خوبی می‌تواند منجر به گذر از اختلافات دینی شود.

در واقع والاترین ارزش انسانی یعنی صلح و احترام متقابل از گذرگاه همین تعاملات صمیمانه فرادینی و همزیستی مسالمت‌آمیز و همگرایی بین پیروان ادیان و مذاهب می‌گذرد. چنین ارزش انسانی و اخلاقی والایی که در راستای توسعه و آبادانی کشور عمیقاً نیاز جامعه فعلی ایران است، از همین مسیر می‌گذرد.

فی‌الواقع می‌توان گفت که نهاد آموزش و الگوهای آموزشی در کنار شیوه‌های تربیتی موثر و کاربردی و با تکیه بر آموزه‌های صلح‌آمیز ادیان، ضمن تاکید بر اشتراکات و اصول انسانی و ملی وفاق آفرین می‌تواند منجر به همزیستی مسالمت‌آمیز بین پیروان ادیان و مذاهب شده و زمینه تعامل سازنده‌ی اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و ... را نیز فراهم آورد.

همان‌طور که جازاری (۱۴۰۱) با تاکید بر اندیشه دوله‌پوگ بیان کرد که اشتراکات موجود در آموزه‌های ادیان آسمانی، بستر لازم را برای تفکر وحدت‌آفرین اندیش‌مندان این ادیان فراهم می‌کند، یافته‌های این پژوهش نیز حاکی از آن است که در صورت ترویج فرهنگ تعامل بین ادیان مختلف، امکان برقراری تعامل در سطوح متعددی فراهم خواهد شد. همچنین برخلاف تاکید طاهری آکردی و امیری (۱۳۹۹) بر پیش‌نیاز بودن شناخت میانی و اصول ادیان دیگر برای تقریب و شکل‌گیری تعامل بین ادیان، مشارکت‌کنندگان این پژوهش، صرفاً آشنایی و شناخت بین پیروان سایر ادیان و مذاهب را در تعامل و تقریب بین طرفین، کافی و موثر دانسته‌اند؛ یعنی

عملا از نقش اعتقادات و باورهای دینی و مذهبی در شکلگیری روابط بین پیروان ادیان و مذاهب مختلف، چشم‌پوشی کرده‌اند.

تعامل بین ادیان و مذاهب نیازمند بستر و زمینه‌های مناسبی در جامعه است. فضای تعاملی سالم بین افراد با ادیان و مذاهب متفاوت در جامعه، موجب همگرایی و همبستگی بیشتر بین ادیان، صلح و توسعه می‌شود. خانواده، مدرسه و دانشگاه و نوع کردارها و برنامه‌های آنها در الگوسازی، شناخت و تقریب و وفاق بین ادیان نقش مهمی ایفا می‌کند. فضاهای آموزشی بعنوان یک بستر، تجربه تعامل بین افراد با ویژگی‌های مختلف قومیتی، جنسی، مذهبی، فرهنگی و ... به رشد و بلوغ اجتماعی افراد کمک می‌کنند و افراد را از بستر محدود خانواده جدا ساخته و در بستر چندفرهنگی گسترده با هویت‌های متفاوت اجتماعی و دینی قرار می‌دهند. در این بستر فرد با هویت دیگری غیر از هویت خودی آشنا می‌شود و با برقراری تعاملات و گفتگوی اجتماعی با دیگران، تصورات و کلیشه‌های قالبی آنها تغییر می‌کند. بنابراین همانطور که خانواده می‌تواند به ادراک مثبت، برخورد محترمانه و صمیمانه افراد با پیروان مذاهب متفاوت در جامعه کمک نماید، فضاهای آموزشی نظیر دانشگاه نیز می‌توانند بستر ارتباط و تعاملات چندفرهنگی، برابری و همگرایی بین ادیان و مذاهب را فراهم سازند. به عبارتی نهادهای اجتماعی با ایجاد احساس تعلق، عدالت، مشارکت و اعتماد، موجب همزیستی مسالمت آمیز در جامعه چندفرهنگی دینی می‌شوند. زمانی که آحاد افراد جامعه و نهادهای اجتماعی متفق القول به ارزش برابری، آزادی و اشتراکات دینی تأکید و تمرکز نمایند، از اختلافات تضادانگیز پرهیز نمایند، درک و تفاهم فرهنگی و دینی با آموزش‌های رسمی و غیر رسمی بیشتر شود، فرهنگ تعامل و همگرایی بین افراد با ادیان متفاوت در جامعه برساخت می‌شود. در این شرایط اقلیت و اکثریت در یکدیگر تلفیق شده و تمایز قوم‌گرایانه و دین‌مدارانه برداشته شده و همبستگی بین ادیان و مذاهب متفاوت امکان‌پذیر می‌گردد. بنابراین در فضای چندفرهنگی دینی وفاق آفرین، ارتباطات و مبادلات فرهنگی، اقتصادی، سیاسی و اجتماعی تقویت و توسعه می‌یابد و نهایتاً به بالندگی، رشد و تمدن فرهنگی منجر می‌شود.

منابع

- اشتراوس، آنسلم و کوربین، جولیتام (۱۳۹۰). *اصول روش تحقیق کیفی: نظریه مبنایی، رویه‌ها و شیوه‌ها*. ترجمه: بیوک محمدی. ج ۳. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- آیت‌اللهی، حمیدرضا (۱۳۹۲). *سنجه‌هایی در دین پژوهی معاصر*. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- بشیریه، حسین (۱۳۷۴). *دولت عقل: ده گفتار در فلسفه و جامعه‌شناسی سیاسی*. تهران: موسسه نشر علوم نوین، چاپ اول.
- بشیر، حسن و شعاعی شهرضا، محمدحسین (۱۳۹۷). "ارتباطات میان فرهنگی و گفت و گوی بین ادیان: مطالعه موردی سه موسسه در انگلستان"، *دین و ارتباطات*، شماره ۵۳: ۱۹۳-۲۲۴.
- توفیقی، حسین (۱۳۷۹). *آشنایی با ادیان بزرگ*، تهران، سمت، قم، موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی. تنهایی، حسین ابوالحسن (۱۳۹۰). *جامعه‌شناسی دینی در شرق باستان*، ج ۲، تهران: نشر بهمن برنا.
- جازاری معمولی، سعید (۱۴۰۱). "تحلیل شیوه «تعامل بین‌الادیانی» در اندیشه هنری دو لهوگ". *پژوهش‌های اسلامی خاورشناسان*، ۲(۲): ۸۳-۹۹.
- رشاد، علی اکبر (۱۳۸۶). *آینده مناسبات ادیان، قیسات*، ش ۴.
- شایسته مجد، عالیه (۱۳۸۶). *بررسی تأثیر دینداری بر پنج تیپ شخصیت در سه دین اسلام، مسیحیت و زرتشت*، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده ادبیات دانشگاه شهید بهشتی.
- شیردل، الهام، حسنی، محمد رضا و حامی کارگر، فاطمه (۱۴۰۰). "برساخت ازدواج بین‌مذهبی موفق و زمینه‌های شکل‌گیری آن: مطالعه کیفی بین زوجین استان سیستان و بلوچستان". *جامعه‌شناسی نهادهای اجتماعی*، ۸(۱۸): ۳۷۳-۳۹۷.
- طاهری آکردی، محمدحسین؛ امیری، عظیم (۱۳۹۹). "تقریب ادیان ابراهیمی، ضرورت، چالش‌ها و آسیب‌ها"، *مطالعات ادیان و عرفان تطبیقی*، ۴(۱): ۸۵-۱۰۸.
- کاروانی، عبدالطیف، غفاری‌نسب، اسفندیار، احمدی، حبیب و طبیعی، منصور (۱۳۹۸). "کاوش کیفی فرایندهای برساخت هویت اجتماعی در میان دانشجویان بلوچ: به‌سوی نظریه‌ای زمینه‌ای". *مطالعات و تحقیقات اجتماعی در ایران*، ۸(۱): ۵۹-۸۵.
- کاروانی، عبدالطیف و غفاری‌نسب، اسفندیار (۱۳۹۸). "فرایند حاشیه‌ای شدن هویت مورد مطالعه: دانشجویان بلوچ دوره تحصیلات تکمیلی". *بررسی مسائل اجتماعی ایران*، ۱۰(۲): ۸۱-۱۰۲.
- کوزر، لوئیس (۱۳۸۹). *زندگی و اندیشه بزرگان جامعه‌شناسی*. ترجمه محسن ثلاثی. تهران: انتشارات علمی.
- فلاح زاده، سید حسین (۱۳۸۶). "تعامل تاریخی پیروان ادیان و بررسی عوامل موثر بر آن"، *قیسات*، شماره ۴۳: ۱۲۹-۱۱۱.

قاضی نژاد، مریم و اکبرنیا، الهه سادات (۱۳۹۶). "دینداری: مدارای اجتماعی یا فاصله اجتماعی (پیمایشی در میان مسلمانان و مسیحیان شهر تهران)". *مطالعات و تحقیقات اجتماعی در ایران*، ۶(۱): ۲۱-۴۰. نیستانی، محمدرضا (۱۳۹۱). *اصول و مبانی دیالوگ*. اصفهان: نشر آموخته. هابرماس، یورگن (۱۳۷۹). *کنش ارتباطی: بدیل خشونت*. ترجمه سلطانی، ابراهیم، ماهنامه کیان، ۸(۴۵):

۰-۰

- mman nn daab,, .. 2020.. "nmaaaaaa dooogoe: tts. need, ppponnnne and metttt nn hle
commmppaaayyoo ddd. *International Journal of Advanced Academic Studies*, 2 (3): 264-271.
- nn dee,, .. 2016.. "nmaaaaaa dooogoe: even key queooooos ocr hleoyy, poicy and paacice".
Religion, State and Society, 44, 4: 349-365,
- Berger, P. L. (1967). *Sacred Canopy; Elements of a Sociological Theory of Religion*. New York:
Anchor Books/Doubleday.
- Bruce, S. (2002). *God is Dead: secularization in the West*. Oxford: Blackwell.
- Cordero, R. L., Garzón, F. R. Martínez, L. M. and Olmos-Gómez, M3.. 2021.. "ee iigoon:
nreeeeeehhps a. d pp ni/ ns nnhh ldean and ddossccn"5*Interaction between Age and
Beliefs, Religions*, 12: 357.
- ee nyp P. ;; aa ddh .. D 22\ 400 ۳۳۳ ۱۳۷۷۲۲۶/yy pohhlee eeettted", *Journal of Psychological
Science*, NO 10: 862-868.
- Kadayifci, A. 2013.. "nreeeeegoos aaa oogue and Peacebulldng", *Handbook of inter-religious
dialogue*, edited by Catherine Cornille, Wiley-Blackwell.
- Kpughe, L. M. 2019.. "nrrr-Ethnic Conflict Management and Prevention in Cameroon's
Northwest: Assessing the Role of the Justice and Peace Commission of the Catholic
ccc hdoceee of aa menda", *Asian Journal of Peacebuilding*, 7 (1): 125-142.
- Popovska, B., Ristoska Z., Payet, P. 2017.. "hhe oo ee of nreeeeegooi" and nmaaaaaa aaa oogue
in the Post-SecuWWWWd. *Academicus International Scientific Journal*, 16 (16): 33-44.
- Zulfadli Z. 2019.. "nmaaaaiion Beeeen ee iigious People Post Social Conflict in Aceh Singkil
"Journal Ilmiah Islam Futura, 19 (2): 191-202.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی